

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

# تأثیر بزه دیده شناسی در رفع خشوفت علیه زنان

تألیف  
مریم اجتنابی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۸

تقدیم به مادرم  
سنگ صبوری که الغای زندگی به من  
آموخت

## فهرست مطالب

فصل اول ۴

کلیات ۴

فصل دوم ۲۵

بزه دیده شناسی و پیشگیری از بزه دیدگی ۲۵

فصل سوم ۲۰۵

پیشگیری از بزه دیدگی در خشونت علیه

زنان ۲۰۵

فصل چهارم ۳۰۸

نتیجه گیری و پیشنهادات ۳۰۸

# فصل اول

## کلیات

### ۱- مقدمه

خشونت که در لغت آن را «پرخاش و سختگیری» یا «به کارگیری قدرت فیزیکی توام با خشم و عنف و بی حرمتی» معنا می‌کنند، عبارت است از؛ سو استفاده از قدرت در جهت اعمال فشار بر دیگران با هر وسیله اعم از ضرب و جرح، ایذاء روحی، رفتارهای جنسی به عنف و هرگونه تهدید و توسل به قدرت با هدف اثبات برتری و دست یابی به خواسته‌های فردی، به نحوی که احتمالاً باعث آسیب‌های مشخصی به قربانی خواهد شد.» خشونت به تناسب این که در کجا و در چه زمانی و نسبت به چه کسانی رخ

می‌دهد به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود. برخی جرم شناسان انواع خشونت‌ها را در برابر هم قرار می‌دهند؛ «۱- خشونت ساختاری (اجتماعی) در برابر خشونت فردی ۲- خشونت آشکار، در برابر خشونت پنهان ۳- خشونت هدفمند، در برابر خشونت بدون هدف، ۴- خشونت فیزیکی، در برابر خشونت روانی.»

با وجود تقسیم بندی‌های فوق می‌توان نوعی خشونت را بر اساس نوع بزه دیده تعریف کرد و به خشونت‌های مبتنی بر جنسیت توجه داشت و به این ترتیب به خشونت علیه زنان رسید. خشونت علیه زنان حقیقتی است که در مباحث جرم شناسی و بزه دیده شناسی، نمودی بر جسته از سایر انواع خشونت‌های روا شده بر اقلیت‌های

قومی، نژادی، مذهبی، آوارگان جنگی و ... در سطوح گوناگون خشونت قرار می‌گیرند، جو امع بشری، اعم از پیشرفتی و در حال توسعه، از دریچه‌ای خاص، خود را نگران خشونت‌های روا شده بر زنان بزه دیده نشان می‌دهند. تلاش برای تقلیل این پدیده، نه تنها به دل مشغولی مدافعان سرسخت حقوق زنان بلکه به نگرانی جامعه جهانی تبدیل شده و همگان در پی یافتن راه حلی مشترک به تکاپو افتاده‌اند. «خشونت علیه زنان که متضمن هرگونه عمل خشونت آمیز مبتنی بر جنسیت می‌باشد لزوماً یا محتملاً موجود آسیب یا رنجی جسمانی، جنسی یا روانی بر زن خواهد شد و تهدیدی برای ایجاد محرومیت یا محدودیت آزادی اوست که در حیات اجتماعی

یا در قلمرو زندگی خصوصی زن رخ می‌دهد.» متوقف کردن یا به حداقل رساندن این واقعیت اجتماعی، مستلزم توانمند سازی کل ساختار جامعه در احترام به اندیشه‌های شایسته سالارانه و نفی هر گونه تبعیض جنسیت مابانه و تمسک به بزه دیده شناسی نوین خواهد بود. یکی از علل ایجاد مسائل اجتماعی بی‌سازمانی اجتماعی است بر اساس این رویکرد به علت تضاد فرهنگی، بی‌هنگاری و ضعف قوانین، نهادها و مناسبات اجتماعی ناموزون می‌شود، افراد احساس ناکامی می‌کنند، کنترل اجتماعی درهم می‌شکند و مشکلات اجتماعی زیادی پدیدار می‌شود. این وضعیت تا حدود زیادی نتیجه تغییرات اجتماعی سریع و کنترل نشده‌ای

است که تعادل همه امور را برابر هم می‌زند. بر این اساس، حل مسائل اجتماعی نیازمند ایجاد مجموعه‌ای از قوانین کارآمد، روشن و با ثبات است تا از سرعت تغیرات اجتماعی بکاهد و نظام اجتماعی، هماهنگی پیشین خود را بازیابد. مطالعات و تحقیقات در کشورهای جهان نشان داده که آسیب پذیرترین اقسام جامعه زنان و کودکان هستند که دستخوش آسیب‌های فروان قرار می‌گیرند. از اینرو عده‌ای بر این باورند که ویژگی‌های فیزیولوژیکی و زیستی زنان و عدم توانایی مقابله در برابر مردان بزهکار، شرایطی را برای آنان فراهم می‌سازد که احتمال بزه دیدگی آنان را افزایش می‌دهد و معمولاً با افزایش سن، احتمال بزه دیدگی در آزارهای جنسی به سمت

بزه دیدگی در مقابل جرائم مالی سوق می‌یابد و مبین رویکرد آسیب پذیر در تبیین علل بزه دیدگی زنان است. (رنجران و دبیرزاده، ۱۳۹۰).

ترس از قربانی شدن و بزه دیدگی یک امر ناگهانی نیست، بلکه زنان در فرآیند اجتماعی شدن و از طریق والدین، گروههای همسالان و وسائل ارتباط جمیعی با این ایده آشنا می‌شوند که نسبت به مردان آسیب پذیرترند و توانایی کمتری برای مقابله با بزهکاران دارند که این مسئله تاثیر آشکاری بر زندگی اجتماعی زنان گذاشته و زمینه پرهیز از حضور در برخی از مکانها را برای آنان فراهم می‌نماید. امروزه جرایم علیه زنان توجه زیادی را به خود معطوف داشته و با افزایش قدرت سیاسی زنان مبارزه با

این جرایم که به اشکال مختلف در تمامی دنیا ارتکاب می‌شوند با جدیت بیشتری از سوی سازمان‌های بین‌المللی و در رأس آنها سازمان ملل متحد و کشورهای مختلف دنبال می‌شود.

انجام پژوهشی پیرامون حقوق زنان در اسناد بین‌المللی و انطباق آن با قوانین داخلی با کمبود و کاستی شدیدی مواجه است این کمبود چه از بعد نظری و چه از بعد کاربردی کاملاً محسوس است. تلاش در جهت محو خشونت علیه زنان که از سوی اسناد بین‌المللی متعددی صورت گرفته است در واقع با توجه به آسیب پذیری آنها در برابر خشونت بوده است. همانطور که می‌دانیم جرم شناسی عبارت است از بررسی علمی پدیده مجرمانه که در این بررسی علل و عوامل دخیل

در بروز جرم مورد مذاقه قرار می‌گیرند. جرم شناسان به منظور کشف علل جرم بحثی را تحت عنوان «وضعیت پیش جنایی» مطرح می‌کنند. مرحوم دکتر کی نیا این وضعیت را این گونه تعریف می‌کنند: «مجموعه اوضاع و احوال خارج از شخصیت بزهکار است که مقدم بر عمل مجرمانه هستند و سبب تدارک عمل مجرمانه می‌شوند به قسمی که به وسیله شخصی مفهوم و محسوس هستند.» (کی نیا، ۱۳۸۴، ص ۱۸۹). زنان در طول تاریخ انواع خشونت‌ها را تحمل کرده و هرگز مورد حمایت همه جانبی نظام کیفری قرار نگرفته‌اند. هر چند که زنان بنا به ویژگیهای جنسی و جسمی نیازمند حمایتهای ویژه نظام عدالت کیفری بوده و هستند، لیکن حمایت برابر

با مردان نیز از آنها دریغ شده است. (امیرخانی، ۱۳۸۹، ص ۴۵). درباره طبقه بندی وضعیت‌های پیش جنایی کار چندانی صورت نگرفته است به عنوان مثال «زلیگ شماری» از مهمترین وضعیت‌های پیش جنایی را بدین ترتیب مطرح می‌کند:

- ۱- عوامل اقتصادی فردی (بینوایی، بیکاری ممتد)
- ۲- اختلال‌هایی در زندگی عشقی و وسوسه‌های جنسی
- ۳- یک قربانی کاملاً معین به دلیل یک خصلت معین او که محرک ارتکاب جرم است به عنوان مثال خانه بی سکنه
- ۴- واکنش نسبت به تحریک به وسیله افراد مخصوص با نمایندگان قدرت عمومی
- ۵- کنش حاد الکلی
- ۶- سایر تحریکات نسبت به

استعدادهای عاطفی ۷- کشاندن به ارتکاب جرم و ارائه مستقیم نمونه‌ای از جرم در مطبوعات، ادبیات یا سینما» (کی‌نیا، ۱۳۸۴، ص ۱۹۲).

## ۲-۱- اهمیت و ضرورت تالیف این اثر علمی

از آن جایی که تعریف خشونت مشکل است و نمی‌توان پدیده‌های اجتماعی را با یک یا فقط چند علت تبیین کرد. در این کتاب برای تبیین عوامل مختلف در خشونت شوهران بر علیه زنان هم از نظریه‌های سطح خرد مانند نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه فمینیستی استفاده شده است. خشونت علیه زنان ممکن است جنبه روانی، جسمی، مالی و جنسی داشته باشد. که ریشه در علل و عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و

اقتصادی جامعه دارد که پیامدهایی نظیر استرس، آسیب‌های جسمانی و روانی جبران ناپذیری بر اعضاء خانواده خصوصاً فرزندان وارد می‌کند. تعریف و مصادیق خشونت علیه زنان با توجه به ویژگی‌های فرهنگی هر منطقه و با توجه به تفاوت‌های کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و جهان سوم متفاوت است. به طوری که برخی از کارشناسان علوم اجتماعی خشونت علیه زنان را علاوه بر بروز فیزیکی و جنسی که از اشکال آشکار خشونت بشمار می‌روند شامل خشونت روانی و شخصیتی، ایجاد ممنوعیت‌ها و محدودیتهای افراطی و حتی وضع مقررات و قوانین تبعیض آمیز نیز که از اشکال پنهان و پیچیده خشونت می‌باشند می‌دانند. خشونت

خانوادگی در هر شکل آن همواره بزرگترین معضل جوامع در گذشته و حال بوده و است. هنگامی که مردی همسر و شریک زندگی خود را مورد شکنجه و آزار و اذیت قرار می‌دهد، نه تنها افکار عمومی جریحه دار می‌شود، بلکه حساسیت خاصی را در جامعه بر می‌انگیزد. به نظر می‌رسد که دلیل این حساسیت آن است که انسان همواره خانه را امن‌ترین مکان می‌شناسد. از این رو هنگامی که مردی همسر خود را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد، جامعه دچار تشنج می‌شود و انسانها به شدت احساس ناامنی می‌کنند. همچنین با توجه به اوضاع و شرایط اجتماعی، اگر خانواده سالم نباشد و در آن مهر و محبتی وجود نداشته باشد، امکان بروز خشونت و

حتی همسرکشی در آن بسیار محتمل خواهد بود.  
از سوی دیگر فراگیری این نوع از خشونت در  
جامعه پیامدهای نامطلوب و جبران ناپذیری را بر  
جای می‌گذارد که در ذیل چند نمونه از آن  
بسنده می‌شود:

۱- شاید بتوان مهمترین اثر نامطلوب خشونت  
خانوادگی به ویژه همسر آزاری را خدشه وارد  
کردن به کرامت ذاتی و انسانی زنان دانست، چرا  
که اعمال خشونت علیه زنان منافی حیثیت و  
ارزش انسانی آنها می‌باشد.

۲- از دیگر عواقب خشونت علیه زنان، ایجاد  
ترس و عدم امنیت در زندگی آنان می‌باشد.  
خانواده‌هایی که در آنها خشونت خانوادگی به  
وفور دیده می‌شود، فرزندانی مستبد بدون اعتماد

به نفس و نابهنجار پرورش می‌دهند. بنابراین مطالعه در این زمینه، در مورد این که چه کسانی، چگونه و با چه انگیزه و وسیله‌ای مورد خشونت و آزار قرار می‌گیرند و عوامل مؤثر بر آن چه چیزهایی می‌باشند، یکی از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر برای پیشگیری و درمان این معضل اجتماعی به شمار می‌آید.

### ۱-۳- سوابق و پیشینه تحقیق

نصراللهی (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان جایگاه بزه دیده در پیشگیری از وقوع جرم بیان داشت امروزه جرم و ترس از جرم به عنوان یک نگرانی فراگیر در تمام جوامع تبدیل شده است. سیاست‌های دستگاه عدالت کیفری در مبارزه با جرم نیز با شکست روبه رو شده

است. این مسئله خود موجب اهمیت سیاست‌های غیرکیفری درامر پیشگیری از جرم شده است. از سوی دیگر در اکثر سیاست‌های غیرکیفری نیز، مرتكب موضوع همه تحقیقات و سیاست‌های پیشنهادی برای پیشگیری از وقوع جرم بوده، تا مشخص گردد یک شخصیت مجرمانه چگونه تشکیل می‌گیرد و به چه طریقی می‌توان آن را مهار یا درمان کرد.

مظاهری (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان تاثیر رفتار بزه‌دیده بر مجازات بزهکار در فقه و حقوق ایران بیان داشت کمتر از یک سده پس از تولد جرم‌شناسی، برخی جرم‌شناسان در مقام حل معمّای جرم و برای علت‌شناسی بزهکاری محور مطالعات خود را بر کنش دیگر فرآیند بزهکاری

و مجازات، یعنی «بزه دیده» متمرکز کردند تا جایگاه و نقش وی را در تکوین جرم برآورده کنند. این مطالعات و تحقیقات جرم‌شناسان سبب شد رشته جدیدی به نام «بزه دیده شناسی علمی» ایجاد گردد. حسن زاده (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان بررسی شیوه‌های حمایت از بزه دیدگان در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی بیان داشت حمایت از بزه دیدگان را نباید صرفاً در محدوده جبران مادی خسارات واردہ معنی کرد، بلکه ضمن جرم انگاری‌ها و کیفرسازی‌های حمایت کننده در قالب حقوق کیفری ماهوی و دادن نقش فعال به بزه دیده در مراحل مختلف فرایند کیفری با ترسیم یک سیاست جنایی بزه دیده مدار در همه سطوح سیاست جنایی (تقنی،

قضایی، اجرایی، مشارکتی ) باید محدوده حمایت از بزه دیده را به تمامی انواع حمایت‌های انسانی – اخلاقی نظیر احترام به منزلت بزه دیده، دادن اجازه ارائه دیدگاه‌ها به وی و تامین امنیت بزه دیده و شهود و... و حمایت‌های عینی – مادی مانند امکان دادخواهی و شکایت، توسع کیفی و کمی اقسام کمک‌های پلیسی، پزشکی و مشاورات حقوقی و ... گسترش داد. رحیمی (۱۳۹۱) در تحقیقی تحت عنوان بررسی واکنش‌های نهادهای عدالت کیفری به بزه دیدگی زنان بیان داشت توجه به حقوق زنان در عصر حاضر همواره یکی از موضوعاتی بوده است که در جامعه‌ی جهانی بسیار مورد توجه واقع شده است و این توجه در مورد دولت‌های

اسلامی و نحوه‌ی برخورد نهادهای کیفری و انتظامی با زنان در این دولت‌ها بسیار چشمگیر‌تر از دیگر دولت‌های است. دین مبین اسلام قوانین و قواعد مخصوص به خود را در برخورد با زنان ارائه می‌دهد و صد البته زنان بزه دیده را به فراموشی نمی‌سپارد. این پژوهش کوشیده است تا کیفیت رعایت این قواعد را در نهادهای عدالت کیفری مورد بررسی قرار دهد. از این رو با مطالعه‌ی کتب مربوطه و تهیه‌ی پرسش نامه و گفت و گو با افراد حقیقی کوشیده شده تا به سوالات و فرضیه‌های مطرح برای نگارنده پاسخی قانع کننده داده شود و بدین وسیله راه کاری برای اجرای صحیح قواعد اسلامی در

برخورد با زنانی که نیاز بیشتری به حمایت دارند ارائه شود.

## ۱-۴- سؤالات و فرضیات مطروحه

در خصوص موضوع این کتاب سوالات زیر به ذهن می رسد:

۱. علم بزه دیده شناسی چه جایگاهی در راستای پیشگیری از خشونت علیه زنان دارد؟
- ۲- انواع مختلف حمایت از بزه دیدگان در شرایط مختلف کدام است؟
- ۳- جایگاه بزه دیده در جرم شناسی پیشگیرانه چگونه است؟

در همین راستا فرضیات زیر قابل طرح است:

۱- به نظر می‌رسد که داده‌های علم بزه دیده شناسی و بکارگیری آن از سوی قانونگذاران نقش اساسی در جهت پیشگیری از خشونت علیه زنان دارد.

۲- به نظر می‌رسد که انواع مختلف حمایت از بزه دیده که پیشنهاد می‌شود؛ بصورت ذیل است:

الف) حمایت از بزه دیدگان بلافصله پس از تحقیق جرم از قبیل حمایت‌های پزشکی، روان شناختی

ب) حمایت از بزه دیدگان در مرحله دادرسی از قبیل تفهیم حقوق و فراهم آوردن نیازهای حقوقی

ج ) حمایت از بزه دیدگان در مرحله تامین ضرر و زیان از قبیل تامین خسارت زیان دیده از منابع دولتی.

۳- به نظر می‌رسد که بزه دیده شناسی به عنوان دانشی نسبتاً جدید به بررسی جایگاه بزه دیده در رویداد مجرمانه می‌پردازد. سیر مطالعه بزه یدده در این حوزه از دو روی کرد مورد توجه قرار می‌گیرد؛ ابتدا: نقش بزه دیده در تکوین جرم و سپس، بزه دیده به عنوان جبران دیه جرم و انسانی شایسته حمایت.

## فصل دوم

### بزه دیده شناسی و پیشگیری از بزه دیدگی

تکامل سریع جرم شناسی و قلمرو گستردۀ آن، افق تازه‌ای در تحقیقات جرم شناسی گشود به طوری که در دهه ۱۹۴۰، توجه دانشمندان به رابطه میان بزه دیده و بزه‌کار جلب می‌شود، هر چند پایه گذاران رشته جرم شناسی از حیاتی بودن آن آگاه بودند. هانس فون هنتیگ، بنیامین مندلسون و هانری هنبرگر جملگی بر اهمیت بررسی روابط میان مجرم و بزه دیده به منظور درک بهتر خاستگاه و آثار جرم تأکید کردند. از زمان انتشار نتایج این مطالعات پیشگام، دانشمندان زیادی بررسی‌های خود را بر این جنبه

از مسئله جرم متمرکز کردند، به گونه‌ای که جرم شناسی بزه دیده شناسی که اساس آن بر مطالعه بزه دیدگان استوار است، جدیدترین شاخه از جرم شناسی نظری است که موضوع آن بررسی ویژگی‌ها و عملکرد بزه دیده، و روابط وی با مباشر عمل مجرمانه و نقش او در ارتکاب جرم می‌باشد (توجهی، ۱۳۸۸، ص ۶۱۶). به عبارتی دیگر بزه دیده، به عنوان یکی از کنشگران اصلی یا فراموش شده جرم بتدریج وارد پژوهش‌ها و مطالعات جرم شناسان و حقوقدانان کیفری شد و شایسته همان توجهاتی تلقی گردید که از دیر باز در علوم جنایی، در ابعاد حقوقی و تجربی آن، برای بزهکار در نظر گرفته می‌شد و این رهیافت که بزه دیده می‌تواند در قبل، در طول و بعد از

ارتکاب جرم نقش داشته باشد، به نوعی طرز تلقی سنتی برای مبارزه جامعه علیه جرم با تاکید بر مجازات برای مجرم را اصلاح نمود.

## ۱-۲- ماهیت و مفهوم پیشگیری

در جرم شناسی، پیشگیری عبارت است از: به جلوی تبهکاری رفتن با استفاده از فنون گوناگون مداخله به منظور ممانعت از وقوع بزهکاری. از نظر علمی می‌توان گفت: مراد از پیشگیری هر فعالیت سیاست جنایی است که غرض انحصاری یا غیر کلی آن تحدید حدود امکان پیشامد مجموعه اعمال جنایی از راه غیر ممکن الوقوع ساختن یا ساخت و دشوار کردن احتمال وقوع آنهاست بدون اینکه به تهدید به کیفر یا اجرای آن متولّ شوند (پوراسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۴).

## ۱-۱-۲- پیشگیری کیفری

پیشگیری واکنشی یا کیفری عمدتاً ماهیت کیفری داشته و بر عهده قوه قضائیه می‌باشد. مخاطبان این نوع پیشگیری مجرمان می‌باشد. اقدامات پیشگیرانه از جرم با جرم انگاری رفتارها و کیفر دادن مرتكبین این رفتارهای مجرمانه و اغلب در راستای پیشگیری از تکرار جرم انجام می‌گیرد (ممتأز، ۱۳۸۷، ص ۳۲).

## ۲-۱-۲- پیشگیری غیر کیفری

پیشگیری غیر کیفری یا کنشی عبارت است از جلوگیری از به فعل درآوردن اندیشه مجرمانه با تغییر دادن اوضاع و احوال خاصی که یک سلسله جرایم مشابه در آن به وقوع پیوسته یا ممکن است در آن اوضاع و احوال ارتکاب یابد،

پیشگیری غیر کیفری را مجموعه تدابیر سیاست جنایی به استثنای تدابیر معمول به هنگام مداخله نظام کیفری، تعریف می‌کند که هدف انحصاری یا حداقل اصلی آن، محدود کردن امکان وقوع مجموعه‌ای از اعمال مجرمانه از طریق غیر ممکن کردن، دشوار کردن یا کاهش احتمال آنها است و به عبارت دیگر پیشگیری غیر کیفری، شامل اقدام‌های غیر قهرآمیزی است که دارای ماهیت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و غیره بوده و به منظور جامعه پذیری و ترویج قانون گرایی اعمال می‌شود، در نهایت به اجتناب از مداخله نظام عدالت کیفری منجر شده و توسل به اقدام‌های سرکوبگر را که هزینه‌های مالی و انسانی قابل توجهی برای دولت، بزهکار و خانواده او دارد،

منتفي خواهد کرد. بنابراین پيشگيري کنشی شامل آن دسته از تدابير غير كيفري است که پيش از ارتکاب به جرم و گذر از اندیشه به فعل، از طريق مداخله در اوضاع و احوال پيش جنائي اجتماعي و پيشگيري وضعی (موقعيت مدار) تقسيم می شود که در واقع از رايچ ترين طبقه بندی های پيشگيري از جرم است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۸، ص ۳۲۴).

### ۱-۲-۱-۲ ارعاب

مقررات جزائی همواره واجد هدف سودمندی است. در نتیجه جامعه با مجازات کردن بزهکاران افرادی که زمینه و استعداد ارتکاب جرم دارند هشدار می دهد که از ادامه فکر ارتکاب جرم منصرف شوند زیرا حتمیت و قطعیت که یکی از

اهداف مهم مجازات‌ها می‌باشد ایجاد رعب و هراس می‌کند، اگر چه هدف سودمندی مبتنی بر ارعاب و تخویف مجرمین احتمالی و بازداشت آنان از بزهکاری مورد توجه قانونگذار می‌باشد ولی این امر مانع از آن نیست که مجرم به اقتضای عدالت مجازات شود به همین جهت هر قدر جنبه ضد اخلاقی مجرم و مسؤولیت‌های اخلاقی و کیفری وی بیشتر باشد مجازات وی شدیدتر است (همتی، ۱۳۸۲، ص ۴۲).

## ۱-۲-۲- بازپروری

حقوق کیفری برای دوباره اجتماعی کردن به اصطلاح بازپروری و اصلاح مجرمین و پیشگیری و مبارزه با بزهکاری، ابزار مجازات و سرکوبی را در اختیار دارد و از آن به عنوان اهرمی جهت

تبیه مجرم و عبرت پذیری دیگران و ایجاد خوف و وحشت و ترس در میان افراد جامعه به منظور جلوگیری از ارتکاب بزه به کار می‌گیرد.

مجازات وسیله بسیار قدیمی حقوق جزا جهت ایجاد نظم و مبارزه با بزهکاری است که به مرور به همراه پیشرفت جوامع نوع و اندازه آن تغییر یافته است. در قرون ۱۹ و ۲۰ اجرا و اعمال مجازات تا حدودی در ممالک اروپایی تحت تأثیر افکار نو قرار گرفته و دیگر چون در گذشته فقط جنبه انتقام و کینه جویی شخصی و یا ایجاد ترس صرف نداشته و به سوی هدفی والاتر یعنی اصلاح و بازپروری مجرم به کار می‌رود، در همین راستا است که می‌توان گفت "مجازات نه بیشتر از آن اندازه درست است و نه بیش از آن

مقدار لازم است" لذا باید دقت شود تا مجازات‌ها به هنگام و متناسب با بزه باشد و هدف بازپروری همواره مد نظر قرار گیرد چرا که اگر بزهکار را بعد وقوع جرم ترد کرده و تنها در جامعه رها نماییم این موجب ایجاد شکافی بین جامعه و فرد بزهکار می‌شود همچنین او را در مسیر مبدل شدن به یک مجرم خطرناک سوق می‌دهد که بسی خطرناک‌تر از حالت قبلی بزهکار بوده و برای جامعه و افراد آن می‌توانند مضرر باشد لذا باید در نظر داشت که امروزه باید مجازات را به گونه‌ای ترتیب داد که نه تنها عامل پیشگیری بلکه موجب بازپروری و اصلاح مجرمین و سالم سازی محیط شود (حیدری، ۱۳۹۵، ص ۲۳).

## ۱-۴-۲- استراتژی پیشگیری

بهترین تمرین‌ها برای برنامه ریزی پیشگیری با توجه به نوبت بودن مسئله استفاده از روش‌های مطالعه طولی و طراحی تصادفی است. ارزشیابی‌های زیادی در مورد برنا مههای پیشگیری در همه سطوح انجام شده است لیکن نتایج این پژوهشها و ارزشیابی‌ها نتوانسته‌اند این ادعا را ثابت کنند که طرح‌های مداخله‌ای موفقند. مرکز کنترل بیماری‌های آمریکا استراتژیهای جامعی را در مقابله با مسئله بزهکاری جوانان پیشنهاد کرده است که عبارتند از:

## ۱-۴-۱- استراتژی خانواده گرا

این استراتژی‌ها مهارت‌هایی را جهت تمرین آماده کرده است مانند آموزش والدین درمورد روش‌های فرزند پروری، مهارت‌های ارتبا طی بین کودک و خانواده و حل مشکلات کودک و خانواده بدون تخلف و تنبیه. ملاقات‌های خانگی که قادرند منابع خطرزا در خانه معرفی کنند و زمینه‌های راهنمایی لازم برای نگهداری و رشد سالم کودکان را در خانه فراهم کنند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۸، ص ۳۲۵).

#### ۱-۲-۴- استراتژی جامعه گرا

این استراتژی مهارت لازم برای حل مشکل و مشکلات را فراهم می‌کند به طوریکه کودکان قادر باشند به جای برخورد بزهکارانه و متخلفانه مسئله را به طریق درست حل نمایند.

گام اول: تشخیص اولین اقدام در موضع پیشگیری، بررسی کمی و کیفی داده‌های قبلی است که به نوعی شیوع رفتارهای بزهکارانه را در جامعه تایید می‌کند. مقایسه مشکلات، تبیین عوامل خطر، آگاهی از آمار سازمان‌های مختلف بهداشتی تربیتی، نظر سنجی از جامعه و محققینی که در زمینه بزه مطالعه می‌کنند ضرورت دارد.

گام دوم: شناخت گروه هدف بعد از تشخیص رفتار بزهکارانه، جامعه در گیر را برای مداخله مشخص کنید. مطالعه در مورد ویژگی‌های گروه هدف و عوامل زمینه‌ای آن بر اساس برنامه ریزی و مشخص کردن استراتژی‌های مداخله است. توجه داشته باشد استفاده از برنامه‌های مداخله‌ای باید آسان و قابل دسترس باشد.

گام سوم: تبیین هدف‌ها تحلیل آن سومین اقدام مشخص کردن هدف‌های برنامه مداخله است. تحلیل هدف‌ها از نظر قابلیت دسترسی و سهولت در دسترسی در این مرحله انجام می‌شود.

گام چهارم: طراحی و اجرا این مرحله برای دسترسی به هدف‌ها برنامه ریزی می‌شود. منابع حمایت کننده و درگیر مشخص می‌شوند. آموزش‌های لازم جهت مداخله صورت می‌گیرد و برنامه طراحی شده به اجرا در می‌آید.

گام پنجم: نظارت و ارزشیابی در آخرین مرحله، برای پایش و ارزشیابی طرح مداخله برنامه ریزی می‌شود. نظارت در طول برنامه سبب می‌شود برنامه به همان نحو پیش بینی شده، پیش رفت نماید. عمل ارزشیابی می‌تواند اثر بخشی

برنامه و نکات قوت و ضعف را مشخص کند  
(نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۸، ص ۳۲۶).

چند راهکار پیشگیرانه در جهت استراتژی  
جامعه گرا، کنترل شخصی رشد اجتماعی

- خانواده قبل از ازدواج: آموزش د ر مورد  
اهداف زندگی مشترک
- قبل از تشکیل نطفه: ممنوع کردن باروری  
برای کسانیکه در معرض عوامل خطر زای  
مختلف و چندگانه قرار گرفته‌اند. ( این موضوع  
نقض قوانین حقوق بشر است)
- هنگام تولد: فراهم کردن شرایط مناسب برای  
وضع حمل به طوریکه تمام عوامل خطر را در  
نظر داشته باشند

- بعد از تولد: ایجاد وابستگی کودک به خانواده و حمایت‌های جامعه در آماده کردن جوانان برای تشکیل خانواده
- حمایت‌های مربوط به دوران بارداری
- مراقبت‌های حین زایمان توسط پزشک و تیم پزشکی
- تامین بهداشت
- تامین مسکن
- مراقبت از خانواده برای ایجاد وابستگی از طریق آموزش و پرورش
- افزایش تعداد سازمانهای حمایتی
- همتایان و آگاهی از قوانین اجتماعی
- قطع ارتباط با دوستان بزهکار و درگیر کردن اطفال در فعالیتهای اجتماعی سالم

- شناساندن حس همکاری

- مدرسه و ایجاد نظم و انضباط

- تقویت رفتارهای مناسب از طریق پاداش

دھی

- افزایش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی و

زندگی

- مشخص کردن ارزش‌های جامعه توسط

مدرسه، خانواده، بچه‌ها

- درگیر کردن بچه‌ها با تکالیف درسی به صورت پروژه‌های گروهی (همتی، ۱۳۸۲، ص

(۴۳)

- تعیین تکالیف درسی که بخشی از وقت کودکان به آن اختصاص یابد

- کار و شرایط ورود به کار طبق قانون تعریف شود ( محدودیت‌های مربوط به سن کار رعایت شود )

- حقوق زمان بیکاری پرداخت شود ( در مورد افرادی که شرایط احراز را دارند کار تمام وقت داده شود )

- ادغام کار با مطالعه

### ۱-۴-۳- استراتژی پایشی

بیشتر بر پایه الگوهای تربیتی مثبت بزرگسالان استوار است و می تواند خطر رفتار بزهکارانه را کاهش دهد. توجه داشته باشید در برنامه‌های پیشگیری از بزهکاری مدل برنامه پیشگیری پزشکی که شامل تشخیص و درمان باشد چندان کارآیی ندارد. بهترین رهیافت در برنامه ریزی

استراتژی‌های هدف گرا و جامعه گرا است. اگرچه باید توجه داشت که یک برنامه هرگز جوابگوی همه جوامع نیست. اما عناصری از برنامه که لازم است مورد توجه قرار بگیرند عمدتاً مشترکند این نقاط مشترک عبارتند از: توجه به افراد در معرض خطر، توجه چندجانبه در مداخله، توجه و حمایت از مجریان برنامه و ارزشیابی برنامه‌های پیشگیری (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۸، ص ۳۲۷).

## ۲-۲- مفهوم شناسی بزه دیده و بزه دیدگی

این که بزه دیده کیست، مدت‌ها قسمتی از یک بحث مهم بوده مبینی بر این که آیا بزه دیدگان، بر وقوع جرم علیه خود تاثیر می‌گذارند

یا نه؟ این مسئله یکی از اولین پرسش‌ها در مطالعه و تحقیق از بزه دیده است. فون هنتیگ اذعان داشت که روابط بین مرتكب و قربانی، پیچیده بوده و در وقوع جرم نقش محموری دارد. او ادعا کرد که گرایش قانون به سمتی است که بزه دیده و بزهکار را تقریباً به طور کامل از یکدیگر جدا می‌کند در حالی که چنین تقسیم بندی مبتنی بر واقعیت نیست. بنا بر ادعای او در برخی موارد روشن نیست چه کسی در یک واقعه مجرمانه فاعل و چه کسی مفعول است و در برخی موارد نیز بزه دیده نهایی ممکن است فعلی که منجر به بزه دیدگی او شده است را تسهیل نماید و بر آن تاثیر بگذارد. مثلاً از طریق این که او اولین فردی بوده که در درگیری به

خشونت توسل جسته است. با این بیان فون هنتیگ نشان می‌دهد که در موارد معینی، بزه دیده است که تعیین می‌کند آیا یک فعل مجرمانه بوجود خواهد آمد یا نه؟ البته کار فون هنتیگ مبتنی بر هیچ تحقیق تجربی نبوده است (ممتأز، ۱۳۸۷، ص ۶۵). مندلسون<sup>۱</sup> از زاویه دیگری به ایده تاثیر گذاری بزه دیده گان بر واقع مجرمانه می‌نگردد. وی با توجه به میزان تقصیر آنان در بروز جرم، بزه دیدگان را طبقه بندی کرد مندلسون بزه دیدگان را با درجات کمتر و زیادتر، مقصراً قلمداد کرد. او شش دسته بندی را برای بزه دیدگان بر شمرد که از بزه دیده "کاملاً" گناهکار یعنی فردی که اولین متجاوز

---

<sup>۱</sup>. mendelshon

بوده اما بدترین نصیب را داشته درجه بندی می‌شوند. این ایده توسط ولفانگ<sup>۲</sup> گسترش یافت ایشان اعلام نمودند که بزه دیده از طریق کنش‌ها و افعال خود، سرنوشت وقوع جرم یا عدم آن را تعیین می‌کند. اندیشه تاثیر گذاری بزه دیده بر وقوع جرم به ویژه در پرونده‌های مربوط به خشونت و تجاوز جنسی، قوی است. تصور می‌شود که اگر رفتار یک زن منجر شده باشد (Led on) به این که مردی به او تجاوز جنسی نماید در اینجا گفته می‌شود که زن، حمله را تحریک کرده و چنین امری بایستی منتهی به یک مجازات تخفیف یافته برای مرتکب گردد (ممتأز، ۱۳۸۷، ص ۶۶). با این استدلال اگر بزه

---

<sup>۲</sup>. Wolfgang

دیده، بزهکار را در یک موقعیت فریبنده قرار دهد عمل او می‌تواند تسهیل کننده عمل مجرمانه محسوب شود. مثل زمانی که فردی به تنها یی با در دست داشتن یک کیف پر از پول، شب هنگام در خیابان قدم می‌زند. در یک پرونده‌ای قاضی ریچاردز در سال ۱۹۸۲ اظهار داشت: این نهایت عدم دوراندیشی است برای دختری که شب هنگام از یک خودروی شخصی بدون اشاره به مقصد معین، تقاضای سوار شدن نماید خیلی ساده است و نیاز به تصریح ندارد که در واقع امر، چنین دختری با این کارش، برقراری رابطه جنسی را درخواست می‌کند. این زن به خاطر وجود میزان زیادی از مسامحه مشارکتی، مقصرا

می باشد. لذا او این ایده را مطرح کرد که زنان در اکثر مواقع، تجاوز جنسی را تحریک می کنند.

البته مفهوم تاثیر گذاری بزه دیده بر وقوع جرم، یک اندیشه نسبتاً خطرناک است که منتهی به سرزنش کردن و مقصراً دانستن بزه دیده می شود. به گفته مایرز<sup>۳</sup> سرزنش یا مقصراً دانستن بزه دیده یا حتی قراردادن مسئولیت بیشتر بر عهده تمامی شهروندان که از بزه دیده شدن اجتناب کنند، یکی از خطرات ذاتی ناشی از پاسخهای امروزین به نهضت بزه دیده و ترقی موقعیت بزه دیده است.

طمئناً بسیاری از راهبردهای حکومتی برای پیشگیری از جرم در بیست و پنج سال گذشته،

---

<sup>۳</sup>. miers

بزه دیدگان بالقوه را به طوری درگیر ساخته تا مسئولیت ایمنی خود و اموالشان را بر عهده بگیرند. مثلاً شعار "با هم می‌توانیم با جرم مقابله کنیم" مردم را بسوی قفل کردن خودروها، دور کردن اشیاء قیمتی خود از دید دیگران برای تامین امنیت منازل خود و تحت نظر داشتن کودکان و غیره دعوت می‌نماید. (گارلند) چنین دیدگاهی اگر پیش تر رود، می‌تواند منجر به سرزنش نمودن و مقصراً دانستن بزه دیده توسط نظام عدالت کیفری شود یا احتمالاً مضر باشد و باعث گردد تا بزه دیدگان احساس کنند که با ایستی بار مسئولیت وقوع جرم را بر دوش کشند. بنابراین کل سیاست رسمی دولت مبنی بر مسئول دانستن بزه دیدگان احتمالی می‌تواند بسیار منفی

بوده و منجر شود به این که بزه دیده نه تنها نسبت به مرتکب احساس خشم و ناراحتی کند بلکه به خاطر کوتاهی خود در پیشگیری از بزه دیدگی خود نیز احساس گناه نماید (معصومی، ۱۳۸۹، ص ۴۳۳).

### ۱-۲-۱- مفهوم شناسی بزه دیده

بزه دیده در حقوق کیفری با عنوانی چون مجنيُ عليه و یا شاکی مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و در متون فقهی نیز به زیان دیده از جرم، به طور کلی، مجنيُ عليه اطلاق می‌شود ولی در هر جرم زیان دیده اصطلاح خاص خود را دارد مثل مسروق منه در سرقت و مجروح و مقتول در جرائم عليه اشخاص.